

سند اجازة در خوشنویسی

دکتر مظفر بختیار
استاد دانشگاه تهران

مایه‌ی کار و حد توانایی پدیدآورنده‌ی خود را در یک نگاه بر اهل شناخت نمایان می‌سازد.

باری، این‌گونه اسناد اجازة که شامل اطلاعات ارزنده در باب سلسله اساتید و خلفا و مشایخ این فن و حافظان و میراث داران هنر خوشنویسی است کمیاب است و چون تدوین و گردآوری آنها معمول نبوده غالباً از بین رفته است. مصطفی حلمی (۱۲۶۶ ق) در مجموعه‌ای که فراهم آورده و یگانه نسخه آن در کتابخانه‌ی موقوفه‌ی علی امیری (ش ۱۳۴) در ترکیه نگهداری می‌شود و عکس آن در اختیار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است سند چند اجازة را نقل کرده که از لحاظ مطالعه‌ی فرهنگ و تاریخ خوشنویسی بسیار ارزنده است. این اسناد اگر در نوع خود منحصر نباشد دست یافتن به نظائر آنها آسان نتواند بود.

حلمی حکاک‌زاده همچنین متن نیایش و دعای اذن اجازة را هم در کتاب خود آورده که نمودار شکرانه‌ی هنرور از این موهبت الهی و سپاس‌داری از استادان سلف و نیز قداست و ارزش والای معنوی است که هنر شریف خوشنویسی در جامعه داشته است.

پی‌نوشت:

۱. خطیب بغدادی، الکفایة فی علم الدرایة، حیدرآباد ۱۳۵۷ ق. ص ۲۶-۳۱۷. سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، مدینه ۱۳۷۹ ق. ص ۵۶-۲۵۵، ۶۷-۲۶۵.
۲. به خصوص ر.ک. ثلاث رسائل اندلسیة فی آداب الحسبة و المحتسب، به کوشش لوی پروونسال، قاهره ۱۹۵۵ م، ص ۱۲۰، ۳۱-۱۳۰.
۳. کتاب الذخائر و التحفه، مؤلف ناشناس، نسخه‌ی کتابخانه‌ی گوتا (ش / ۹۰۳)، برگ ۷۵ ب (و این غیر از کتاب الذخائر و التحف تألیف قاضی رشید بن زبر است).
۴. یحصبی، الاماع الی معرفة اصول الروایة و تقیید السماع، تونس ۱۹۷۰ م، ص ۸۸.

رسم اجازة‌دهی و اجازة‌ستانی (استجازة) که به منزلت دریافت دانشنامه و احراز درجات علمی در نظام‌های کنونی دانشگاهی است از مهم‌ترین سنت‌ها و پدیده‌های فرهنگی در حوزه‌های فقه‌ای و ادبی و در میان رجال اخبار بوده است. با آنکه بر حسب ضرورت دریافت اجازة در حدیث و رشته‌های علوم دینی بیشتر رایج بوده^۱ به تقریب تحصیل انواع اجازات در همه‌ی تخصص‌های علمی و احیاناً هنری که نیاز به آموزش منظم و تعلم و تدریس نزد استادان ورزیده داشته متداول بوده است.

دادن و ستدن این اجازات البته فقط در حوزه‌ی علم و ادب مرسوم نبوده است، محترفه و پیشه‌وران هم در مرحله‌ی تبرز و چیره‌دستی در حرفه‌هایی که به شاگردی و دست‌ورزی نیاز داشته طی مراسمی که ریشه‌های باستانی و کهن دارد از سوی نقیبان و بابایان و سران اصناف خودگونه‌ای اجازة‌ی کار دریافت می‌داشتند. در آیین اجازة یافتن کارورزان برای درآمدن به جرگه‌ی استادکاران که به خصوص در بسیاری از متون فتوت و برخی از کتب و رسائل مربوط به حسبه^۲ از آن یاد شده است داوطلب به همان سیره‌ی مشیخه‌ها پیش کسوتان و «ولی» پیشه‌ی خود را که به تناسب هر صنعت و حرفه به یکی از پیشوایان دین یا مقدسین منتهی می‌شود برمی‌شمرده است. البته در مواردی هم به پیشه‌وران هنرور رخصت‌نامه از سوی استادکاران با گواهی قاضی شهر و تسجیل کدخدایان و وجوه مردم داده می‌شده است.^۳

در تاریخ خوشنویسی هم بین خطاطان عثمانی اجازة‌گیری به صورت یک سنت درآمدی بود. در رقم‌های این خوشنویسان - به خصوص در لوحه‌ها و کتیبه‌ها - ذکر این‌گونه استیذان‌ها به تکرار دیده می‌شود. اما این روش در فرهنگ خوشنویسی ایرانیان متداول نبوده، هرچند برخی از استادان بزرگ اجازات شفاهی به شاگردان خود داده‌اند. همچنان که اجازة‌های علمی نیز در گذشته همیشه به صورت نوشته نبوده، گاه به اقرار شیخ اجازة (مجیز) کفایت و اعتماد می‌شده است.^۴ اجازة‌هایی هم که استادان خوشنویس عثمانی می‌دادند در واقع رخصت ترقیم (امضاء) اثر بود که از سوی استاد به شاگرد منتهی داده می‌شد و گرنه این‌گونه امور اعتباری به خصوص در هنر، چیزی را مسلم نمی‌دارد و به قول خواجگان نقشبند «از سلسله کسی به جایی نرسد» زیرا در عرصه‌ی هنر و به خصوص خوشنویسی هر سطر نوشته، به تنهایی